



# شناخت خطوط و جریانات فکری در مسائل بین‌المللی نفت و انرژی

مقدمه

تردیدی نیست که در حال حاضر چه بخواهیم و چه نخواهیم نفت خام و قیمتها و روند عرضه و تقاضای جهانی آن نقش تعیین‌کننده و کلیدی در اقتصاد ما داشته و متأسفانه این عامل بعنوان مهمترین عامل برونزا و خارج از کنترل، بیش از همه عوامل بر اقتصاد ما تأثیرگذار است. همچنین نفت‌خیز بودن کشور و مهمتر از آن، قرار داشتن آن در قلب منطقه‌ای که گنجینه انرژی جهان لقب گرفته است موجب می‌شود که

مسائل سیاسی ما نیز شدیداً تحت تأثیر این عوامل قرار داشته باشد. بنابراین پیگیری مستمر تحولات بین‌المللی انرژی و نفت و شناخت این تحولات و نقد و بررسی اطلاعات، اخبار و تحلیلهایی که در سطح بین‌المللی در این زمینه عرضه می‌گردد از اهمیت فراوانی برخوردار است. خطیر بودن موضوع برای سرنوشت سیاسی و اقتصادی کشور، پیچیدگی موضوع و تنوع و پیچیدگی عناصر تأثیرگذار بر عوامل مورد بحث ایجاب می‌کند که بیشترین توان فکری و تخصصی جامعه و خصوصاً نخبگان و دانش‌پژوهان در این زمینه بکار گرفته شود و این نیز خود مستلزم در دسترس بودن اخبار و اطلاعات مربوطه و پردازش مستمر آن است، لکن متأسفانه اولاً: میزان توجه رسانه‌ها و مطبوعات به هیچ وجه از تناسب لازم با میزان اهمیت موضوع برخوردار نیست و ثانیاً: همان توجه نیز کاملاً خنثی بوده و فاقد پشتوانه کارشناسی و تحلیلی است. نظرات، دیدگاه‌ها و آمار و اطلاعاتی که نوعاً با نیت خاص مطرح می‌گردد و در راستای منافع کشورهای مصرف‌کننده قرار داشته و در بسیاری از موارد در تغایر با منافع ملی ماست، بدون نقد و بررسی ترجمه گردیده و انعکاس می‌یابد و نحوه انعکاس نیز بیانگر نقد تحلیل و عدم شناخت از جهت‌گیری فکری ارائه‌دهندگان این اطلاعات و تحلیل‌هاست. خصوصاً از آنجا که بازار جهانی نفت بیش از هر کالای دیگری تحت تأثیر عوامل روانی است، بخش قابل توجهی از اطلاعات و نظرات مورد اشاره، در جهت کنترل جو روانی بازار و جهت دادن آن به نفع کشورهای مصرف‌کننده ارائه می‌گردد و لذا باید با هشیاری و دقت با آن برخورد شود. انعکاس غیرنقادانه این موارد که گاهی نیز بدون ذکر منبع و مأخذ صورت می‌پذیرد، می‌تواند بر ذهنیت تصمیم‌گیران نیز تأثیر منفی گذاشته و تصمیمات را دچار انحراف نماید.

در این نوشته تلاش بر این است که تا حد مقدور خط و ربط و جهت‌گیری مراکز و رسانه‌های بین‌المللی فعال در زمینه انرژی و همچنین جهت‌گیری فکری معدود کارشناسان فارسی زبان فعال در این زمینه مورد بازشناسی قرار گیرد.

## رسانه‌ها و مراکز بین‌المللی

رسانه‌ها و مراکز بین‌المللی فعال و مؤثر در این زمینه را به دو گروه کلی می‌توان تقسیم کرد. گروهی که وابسته و سخنگوی کشورهای مصرف‌کننده انرژی عضو OECD هستند و گروهی که وابسته به برخی تولیدکنندگان بزرگ و کوچک نفت هستند، البته بعضاً افراد و گروههایی نیز وجود دارند که عمداً یا سهواً منافع کشورهای مصرف‌کننده و شرکتهای بزرگ نفتی را تعقیب میکنند. اگر بخواهیم سهم تقریبی هر یک از اینها را تعیین کنیم باید بگوئیم که گروه اول بیش از ۸۰٪ اطلاع‌رسانی در زمینه مسائل نفت و انرژی را بعهدہ دارند و سهم گروه دوم به کمتر از ۲۰٪ محدود می‌گردد اما نکته مهم این است که در گروه اول انسجام و هماهنگی وجود دارد اما گروه دوم طیف وسیعی را دربر می‌گیرد که بسیاری از اجزاء این طیف نیز شرکتهای بزرگ نفتی و بعضی کشورهای خاص صاحب ذخائر نفت هستند که منافع این گروه از کشورها

عمدتاً با کشورهای مصرف‌کننده هماهنگ است. بنابراین باید اذعان نمود که فضای اطلاع‌رسانی در این زمینه عملاً در قبضه رسانه‌ها و مراکز وابسته به کشورهای مصرف‌کننده انرژی قرار دارد و تنها گهگاهی و آن هم به منظور خاصی ممکن است مطالب متفاوتی انتشار یابد (که این هم قابل تأمل است)، بسیار طبیعی و بدیهی است که این مراکز مطالعاتی و اطلاع‌رسانی، منافع کشورها و بنگاههای خود را تعقیب می‌نمایند و فضای حاکم بر ذهنیت و تفکر کارشناسان و تحلیلگران آنان نیز بر این مبنا شکل می‌گیرد و لذا به سهولت می‌توان به این نتیجه‌گیری ساده دست یافت که کشورهای عضو اوپک و خصوصاً یک کشور تولیدکننده نفت با منافع متفاوت و خاص مانند کشور ما قطعاً باید با نگرشی نقاد با اطلاعاتی که در این عرصه منتشر می‌شود مواجه گردد و فرض اولش این باشد که این اطلاعات با منافع او تعارض داشته و یا حداقل هم‌جهت نیست. در میان مراکز و سازمانهای بین‌المللی اجرائی و مطالعاتی فعال در این زمینه که نقش اطلاع‌رسانی نیز دارند می‌توان از آژانس بین‌المللی انرژی IEA، اداره اطلاعات انرژی آمریکا EIA، اداره انرژی آمریکا DOE، مرکز مطالعات شرق و غرب (واقع در آمریکا)، مرکز مطالعات جهانی انرژی (واقع در لندن) CGES را نام برد و در میان رسانه‌های تخصصی می‌توان خبرگزاری رویتر، خبرگزاری Dow Jones، نشریات Platts و Mees را ذکر کرد. اینها مراکزی هستند که منافع کشورهای صنعتی غرب را تعقیب می‌کنند. در این میان IEA که پس از وقوع شوک اول نفتی در مقابل OPEC و برای برنامه‌ریزی انرژی در کشورهای صنعتی و کنترل غیرمستقیم بازار جهانی نفت بوجود آمد و همچنین دفاتر انرژی و اطلاعات انرژی آمریکا که ارتباط تنگاتنگی نیز با یکدیگر دارند از اهمیت بیشتری برخوردارند، استراتژی‌های اصلی و خطوط اصلی اطلاع‌رسانی توسط اینها طراحی می‌گردد و مراکز دیگری چون CGES عمده‌تأثیر آنها بوده و با استفاده از ابزارهایی که دارند و با توجه به نزدیکی بیشتر به کشورهای عضو اوپک سعی می‌کنند که مفاهیم مورد نظر را نشر دهند. خطوط اصلی سیاست آنها نیز روشن است و جالب این است که به دلیل اینکه می‌خواهند روندهای کوتاه‌مدت و بلندمدت بازار جهانی نفت را اداره کرده و بطور غیرمستقیم خطوط مورد نظر خود را به سازمان اوپک نیز القاء کنند، دچار تناقضات فراوانی هستند که متأسفانه به دلیل ضعف نگرش نقاد در مجموعه اوپک و در کشور ما، کمتر به این تناقض‌گوئی‌ها پرداخته شده است. در اینجا برای روشن شدن بیشتر موضوع تنها یک نمونه مهم از این تناقضات را بررسی می‌کنیم:

یکی از خطوط استراتژیک «آژانس بین‌المللی انرژی» و دفاتر انرژی آمریکا برای تأمین امنیت بلندمدت عرضه مستمر و مطمئن انرژی به غرب این است که همه کشورهای عمده تولیدکننده نفت و خصوصاً اعضای اوپک دارای ظرفیت‌های مازاد تولید باشند. ظرفیت‌های مازاد تولید بصورت یک فشار مداوم پشت بازار نفت عمل می‌کند چرا که سرمایه‌گذار با ایجاد ظرفیت، در واقع هزینه عمده و اصلی تولید نفت را که هزینه سرمایه‌گذار است متقبل گردیده است و

در هر سطحی از قیمت نفت خام تمایل دارد که به تولید نفت پرداخته و در واقع با متحمل شدن هزینه ناچیز جاری و عملیاتی، از سرمایه‌گذاری خود بهره‌مند شود. در هر حال نهادهای مذکور برای اینکه در این رابطه به کشورهای عضو اوپک خط بدهند و آنها را تشویق به ظرفیت‌سازی نموده و درگیر رقابت بر سر ظرفیت‌سازی نمایند، برآوردهای بسیار بیشتر از واقعی را راجع به روند رشد بلندمدت تقاضای جهانی برای نفت خام و بویژه نفت خام اوپک ارائه می‌دهند و جداول بسیار اغراق‌آمیزی را منتشر می‌نمایند. البته همین‌گونه برآوردها برای کوتاه‌مدت نیز خصوصاً قبل از جلسات دوره‌ای اوپک و جهت تحت تأثیر قرار دادن تصمیمات این سازمان ارائه می‌گردد تا این سازمان با تصمیم به افزایش سقف تولید خود موجبات کاهش قیمت نفت را فراهم آورد.

از سوی دیگر یکی دیگر از استراتژیهای نهادهای مذکور این است که همواره قیمت جهانی نفت را پائین نگهدارند و بر این مبنا سعی می‌کنند به اوپک و اعضای آن القاء نمایند که فن‌آوری در زمینه عرضه سایر منابع انرژی به توفیقات فراوانی دست یافته و عرضه این منابع رو به رشد و هزینه تمام‌شده آنها به سرعت رو به کاهش است و بی‌ارزش شدن نفت مسئله‌ای جدی است که اوپک با پائین نگهداشتن قیمت می‌تواند روند آن را کندتر نماید.

تناقض و اشتباه در آمار و اطلاعات منتشره خصوصاً توسط IEA به حدی رسیده که این آژانس سال گذشته مورد اعتراض شدید برخی اعضای کنگره آمریکا قرار گرفت. در هر حال همانطور که اشاره شد برخورد غیرنقدانه با اطلاعات منتشره توسط این محافل ما را دچار اشتباه نموده و برای کشور زیانبار خواهد بود. ضمن اینکه این مراکز با توجه به گرایش که دارند بعضی مسائل مثل اثرات مثبت احتمالی افزایش قیمت‌های نفت بر رشد اقتصادی غرب را مورد بررسی قرار نمی‌دهند و اگر هم چنین کنند قطعاً نتایج آن را محرمانه نگاه می‌دارند.

### کارشناسان ایرانی و فارسی‌زبان

همان‌طور که اشاره شد؛ متأسفانه به دلیل عدم نشر اطلاعات کافی در جامعه و ضعف رسانه‌ها و همچنین به دلیل اینکه علیرغم یک قرن سابقه صنعت نفت در ایران، این صنعت هرگز بومی نگردیده است تعداد کارشناسان ایرانی در این زمینه بسیار محدود و کمتر از نیاز جامعه است و تعداد محدودی نیز کارشناسان فارسی‌زبان وجود دارند. ذیلاً به دسته‌بندی آنها می‌پردازیم:

**الف) کارشناسان فارسی‌زبان - کارشناسان فارسی‌زبان**  
کارشناسانی هستند که در خارج از کشور و عمدتاً در خدمت کشورهای صنعتی مصرف‌کننده انرژی و در جهت منافع آنها فعالیت می‌کنند و عضویت و یا مدیریت مؤسسات مطالعاتی و اطلاع‌رسانی غرب را بعهده داشته و طبعاً تحت تأثیر فضای فکری همانجا قرار دارند. این افراد ممکن است بعضاً نیز کارشناسان بنام و با سابقه در رشته خود باشند اما ساختار فکری و تحلیل‌هایشان هیچ مناسبت و هماهنگی با کشورهای تولیدکننده عضو اوپک و خصوصاً جمهوری اسلامی ایران

ندارد. تکلم آنها به زبان فارسی نباید ما را دچار این اشتباه نماید که با کارشناسان داخلی و با تحلیل‌های خودی و متناسب با منافع کشور مواجه هستیم. استفاده از نظرات آنها و شنیدن اطلاعاتشان به زبان آشنا بسیار مفتم و حضورشان در سمت‌های مهم موجب مباحثات است اما برخورد با آراء ایشان باید محتاطانه و نقادانه باشد وگرنه ما را دچار اشتباه خواهد نمود. تذکر این نکته نیز لازم است که سابقه فعالیت بعضی از کارشناسان مورد بحث در ایران نیز به دوران رژیم گذشته مربوط و محدود می‌شود که در زمینه نفت و انرژی منافع متفاوت با امروز و عمدتاً هماهنگ با غرب و خصوصاً آمریکا داشته است.

ب) کارشناسان ایرانی غرب باور- این دسته از کارشناسان طیفی از افراد هستند که حجیت و مرجعیت غرب در زمینه مورد بحث را کم و بیش پذیرفته و در واقع تحلیل‌های غرب و نقش و جایگاهی که دنیای صنعتی برای اوپیک و کشور ما تعیین و تنظیم نموده است را تقریباً بدون چون و چرا معتبر می‌شناسند. بعضی که در این جهت مجذوب‌تر هستند علاوه بر ترجمه آزاد نظریات غرب به تئوریزه نمودن آن برای مسئولین و تصمیم‌گیران نیز می‌پردازند.

با کم‌رنگ شدن تدریجی حساسیت‌ها که موجب تردد و اظهار نظر آزادتر گروه اول گردیده بتدریج تواریت و شباهت دیدگاه‌ها و نظرات این دو گروه شفاف‌تر و آشکارتر می‌گردد. بعضی از افراد گروه اخیر به دلیل قلت تعداد کارشناسان (که قبلاً به آن اشاره شد) تدریجاً خود را در موقعیت ویژه‌ای می‌یابند و حتی گاهی با ترجمه و انتشار مقالات و دیدگاه‌های دیگران نیز مخالفت نموده و به طریق اولی برخورد نقادانه با این دیدگاه‌ها را به هیچ وجه بر نمی‌تابند. دلایل این حساسیت به شرح زیر است:

۱- با نشر و گسترش اطلاعات در زمینه‌های مورد بحث و خصوصاً با برخورد نقادانه با آن، تدریجاً تعداد مطلعین تحلیلگران و صاحب‌نظران افزایش یافته و بعضی از موقعیت‌های انحصاری به خطر می‌افتد. بنابراین چنانچه اضافه شدن معدودی کارشناس دسته دوم و سوم نیز اجتناب‌ناپذیر باشد باید این امر نیز تحت کنترل انحصاری قرار داشته باشد.

۲- متداول شدن و استمرار ترجمه (صریح و شفاف) و نشر و گسترش اطلاعات در این زمینه؛ امکان مقایسه را فراهم آورده و مشخص خواهد شد که هویت واقعی این افراد نه کارشناسی بلکه بازگوئی نظرات دیگران در پوشش نظرات مستقل کارشناسی است.

۳- برخورد نقادانه با ادبیات غرب و بیان تناقضات آن ضعف و آسیب‌پذیری دیدگاه‌هایی که در واقع نسخه ناقص و دسته دوم ادبیات مذکور است را آشکار خواهد نمود.

متأسفانه چتر مورد بحث بر سر دیپلماسی نفتی کشور نیز کشیده شده است و در کشور ما علیرغم اینکه همواره نفت در خدمت دیپلماسی قرار داشته، دیپلماسی هرگز در خدمت مسئله خطیر نفت و انرژی نبوده و به آن بی‌توجه بوده است. تشریح این مقوله و آثار و تبعات آن خود نیاز به مجالی مستقل داشته و از حوصله این بحث خارج است اما جریان مورد

بحث، در این زمینه نیز نقش اصلی را ایفا نموده است. روحیه و عملکرد انحصارطلبانه، در کنار تفکر غرب باور و لیبرال، پارادوکس جالبی است که البته شناخت ماهیت واقعی این جریان را دشوار می‌سازد.

ج) جریان فکری نقاد- از لابلای کلیه سطور فوق و خصوصاً با توجه به آنچه در مقدمه آمد مواضع و تفکر جریان فکری نقاد آشکار می‌شود و لذا به جمع‌بندی آن اکتفا می‌گردد:

۱- این تفکر با به انحصار درآمدن این مقوله مهم مخالف بوده و معتقد است که اهمیت موضوع برای شئون مختلف اساسی کشور به گونه‌ای است که باید مؤسسات متعدد مطالعاتی و تحقیقاتی و همچنین دانشگاهها (خصوصاً در رشته‌های اقتصاد، علوم سیاسی، حقوق بین‌الملل و...) به آن پردازند و باید از حداکثر تواناییهای فکری موجود در جامعه استفاده شود و این مستلزم نشر اطلاعات و گسترش اطلاع‌رسانی است.

۲- این تفکر نسبت به ترجمه و نشر تحلیل‌ها و اخبار رسانه‌ها و مراکز مطالعاتی و سازمانهای ذی‌مدخل غربی و استفاده از همه صاحب‌نظران، مخالفت و حساسیتی نداشته و حتی از آن استقبال می‌نماید، اما قویاً معتقد است که با توجه به منافع طبیعی غرب این برخورد باید نقادانه و هشیارانه و غیرمنفعل باشد.

۳- این جریان بر این باور است که جمهوری اسلامی ایران با توجه به منافع مستقل و متفاوت خود در این عرصه، باید بتواند با توسعه تفکر نقاد و خودباور، تدریجاً در عرصه اطلاع‌رسانی صحیح و به موقع در سطح بین‌المللی نیز ظاهر شده و جوسازی‌هایی را که به ضرر منافع اوپیک و تولیدکنندگان نفت می‌شود خنثی نموده و تا حد ممکن مسائل روانی بازار را به نفع خود جهت دهد. متأسفانه چنین خلأیی بشدت در صحنه بین‌المللی وجود دارد و مسلماً تکرارکنندگان ادبیات غرب قادر به پر کردن این خلأ نخواهند بود.

۴- این جریان بر این باور است که دستگاه دیپلماسی کشور باید مسائل جهانی انرژی و نفت را بطور عمیق و صحیح شناخته و تعقیب نماید و از این طریق ضمن برطرف نمودن نقصان خود نقش لازم را در جهت تحقق منافع کشور ایفا نماید.

۵- با توجه به حجم عظیم اطلاعاتی که در این رابطه توسط غرب منتشر می‌شود، اکتفا به ترجمه این اطلاعات نوعی بی‌نیازی کاذب را موجب خواهد شد و انگیزه تحقیق، بررسی و تحلیل را از بین خواهد برد و بنابراین بسیاری از سؤالاتی که در این زمینه برای ما وجود دارد و پاسخ آن را در مطالب غرب نمی‌توان یافت، مطرح نگردیده و پاسخ نخواهد یافت. تنها حاکم کردن تفکر نقاد است که می‌تواند سطح دانش و تخصص کشور را در این جهت ارتقاء دهد.

۶- کشور ما نیز با توجه به منافع مستقل خود باید با طراحی سیاست صحیح، منطقی و جامع تبلیغاتی، در زمینه خنثی‌سازی تبلیغات منفی دیگران و جهت دادن جو روانی بازار نفت در مسیر منافع خود، در حد ممکن تلاش نماید. (مدیر مسئول)